

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۱

نقش تقابل در ساختار قصاید دیوان ناصر خسرو

(ص ۲۰۵ - ۲۲۴)

دکتر غلامعلی فلاح<sup>۱</sup>، محمدرضا ایروانی (نویسنده مسئول)،<sup>۲</sup> دکتر حبیب‌الله

عباسی،<sup>۳</sup> دکتر حمید عبداللهیان<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۶

#### چکیده

یکی از عملکردهای بنیادین ذهن آدمی خلق تقابلها است؛ بنحوی که آموزه‌های ادیان و مکاتب فلسفی بر بستر تقابلها شکل گرفته‌اند. تقابل یکی از محورهای مرکزی شکل‌گیری ساختار قصاید ناصر خسرو است در سی قصیده جامعه نمونه، ۹۵۴ تقابل، یعنی در هر قصیده ۳۲ مورد، در ساختار قصاید (در محور افقی) مشاهده شد که در سه بخش تقابل‌های معنایی و فکری (۵۸/۷ درصد)، زوجهای متقابل واژگانی و لفظی (۲۸/۷ درصد) و ادبی (۱۲/۷ درصد) دسته‌بندی شدند. ناصر خسرو از تقابلها در محور عمودی کلام (با بسامد بسیار کمتر) نیز بهره برده است که سرایش ابیات زیاد در قالب ادبی قصیده این مجال را در اختیار شاعر گذاشته است. ناصر خسرو از طریق این تقابلها، قصاید خود را تشخیص و سبک شعری خاصی داده است. روش این پژوهش مبتنی بر شیوه استقرایی است که از متدولوژی ساختارگرایی و نظریات نقد ادبی جدید استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** ساختارگرایی، ساختار، تقابل، ناصر خسرو، قصاید

<sup>۱</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (fallah@khu.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (M.irvani@khu.ac.ir)

<sup>۳</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (h.abbasi@khu.ac.ir)

<sup>۴</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی تهران (H-abdollahian@khu.ac.ir)

### ۱- مقدمه

بنیادهای فکری، زبانی و ادبی قصاید ناصر خسرو مبتنی بر تقابل است. در این پژوهش سعی شده تأثیر منظومه فکری و اعتقادی ناصر خسرو بر تقابل‌های قصاید ناصر خسرو بررسی و شیوه ناصر خسرو در کاربست تقابل‌ها و نقش آنها در ساختار قصاید او واکاوی گردد. بدین منظور سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

(۱) منظومه‌های فکری و اعتقادی ناصر خسرو چه تأثیری در تقابل‌های تکوین‌ساز ساختار

شعر ناصر خسرو داشته است؟

(۲) این تقابلها در شعر او در چه سطحی تبلور پیدا کرده است؟

(۳) نقش تقابلها(به ویژه تقابل‌های دوگانه) در ساختار قصاید ناصر خسرو چگونه است؟

### ۲- پیشینه تحقیق

همزمان با انجام این پژوهش، مریم حقی مقاله‌ای با عنوان «تقابل‌های دوگانه و کارکردهای معنایی آن در قصاید ناصر خسرو» را منتشر کردند. ایشان صرفاً کارکردهای معنایی تقابل‌های دوگانه ناصر خسرو را با دو کارکرد مذهبی و تعلیمی(شامل ۷ مورد) و کارکرد شکایت و انتقاد(در ۱۲ مورد) بررسی کرده که به تمام جوانب این امر نیز کاملاً پرداخته نشده است. در پژوهش حاضر، ریشه‌های تکوین بنیادین تقابلها در قصاید ناصر خسرو واکاوی و نقش تقابلها(به ویژه تقابل‌های دوگانه) در ساختار قصاید ناصر خسرو بررسی شده است. در این گفتار علاوه بر کارکرد معنایی و فکری(بیش از ۲۴ مورد)، تقابل‌ها در لایه لفظی و واژگانی، تقابل‌های نحوی و زبانی، تقابل‌های ادبی و بلاغی و حتی تقابل‌های دوگانه در محور افقی و عمودی کلام و نقش آنها در ساختار قصاید با استفاده از روشهای آماری به دقت بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. بنابراین موضوع و روش کار پژوهش یاد شده(که صرفاً به کارکردهای معنایی تقابل‌های دوگانه پرداخته) کاملاً متفاوت با پژوهش حاضر است که با روش دقیق علمی و آماری نقش تقابلها را در قصاید واکاوی کرده‌ایم.

### ۳- روش تحقیق و قلمرو آن

روش این پژوهش مبتنی بر شیوه استقرایی است که از متدولوژی ساختارگرایی و نظریات نقد ادبی جدید استفاده شده است. برای بررسی علمی و قابلیت تعمیم دقیق‌تر با مشورت خبرگان علم آمار، سی قصیده از دیوان ناصر خسرو به عنوان جامعه آماری انتخاب شد و پس از بررسی انواع تقابل‌های گوناگون و تحلیل آماری دقیق، نتایج به کل دیوان تعمیم داده می‌شود. بدین منظور سی قصیده برگزیده مهدی محقق(شامل ۱۵۲۵ بیت) که قصایدی از

وزنها و موضوعات مختلف دارد، به عنوان جامعه نمونه قصاید ناصر خسرو در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق با ضریب اطمینان بالای ۹۰ درصد قابل تعمیم به کل قصاید ناصر خسرو هست. البته قلمرو تحقیق قصاید کل دیوان ناصر خسرو است.

#### ۴- نقش تقابل در ساختار اشعار و قصاید ناصر خسرو

در این پژوهش نقش تقابلها در ساختار قصاید در قلمرو واژگانی، نحوی، فکری و معنایی و ادبی و حتی ایدئولوژیکی بررسی میشود تا هم به رویه زبان و هم به درونۀ آن (لفظ و معنا) پرداخته شود. این دسته‌بندیها ممکن است همپوشانی داشته باشند؛ یعنی دو زوج متقابل را بتوان از چند جهت با هم در تقابل دید. در سی قصیده بررسی شده، حدود ۹۵۴ تقابل در ساختار قصاید (در محور افقی) جامعه نمونه وجود دارد؛ یعنی در هر قصیده حدود ۳۲ تقابل دیده می‌شود. از این میان ۵۶۰ تقابل مربوط به تقابل‌های معنایی و فکری (۵۸/۷ درصد)، ۲۷۳ تقابل مربوط به زوجهای متقابل واژگانی و لفظی (۲۸/۷ درصد) و ۱۲۱ تقابل مربوط به تقابل‌های ادبی (۱۲/۷ درصد) است.

#### ۴-۱- تقابل‌های معنایی و فکری در ساختار قصاید ناصر خسرو

ریشه‌های فکری و اعتقادات مذهبی و دینی خاص ناصر خسرو بیش از همه سبب پیدایش این تقابلها در قصاید ناصر خسرو شده است و بیشترین نقش و بالاترین فراوانی را در ساختار قصاید ناصر خسرو دارد. خطوط فکری و شیوۀ اندیشیدن و تعقل و جهان‌بینی او از لابلای نگرش دقیق به این تقابلها آشکار میشود. گاهی خلاقیت فکری او سبب شده است که چیزها و مسائلی که در عالم واقع به ظاهر تقابلی با هم ندارند، در تقابل با هم قرار گیرند. با بررسی این تقابلها به دنیای ذهنی شاعر میتوان راه برد. باید گفت تقابل‌های قصایدش به نحوی زندگی حقیقت‌طلبانه و پرشور این شاعر مبارز را آینگی میکند. در سی قصیده بررسی شده، ۵۶۰ مورد (۵۸/۷ درصد) مربوط به تقابل‌های معنایی و فکری است که پرکاربردترین نوع تقابلها و گرانگاه مرکزی ساختار قصاید او را شکل میدهد. انواع این تقابل عبارتند از:

#### ۴-۲- تقابل عقل و خرد با جهل و بی‌خردی

یکی از مهمترین و پربسامدترین موتیفها در دیوان ناصر خسرو «عقل و خرد» است که ذهن منطقی و وقاد ناصر خسرو در جای جای دیوانش آگاهانه و ناآگاهانه آن را به کار برده است. البته با توجه به دشواری و گستردگی و ابهام در تعریف عقل، جای دادن آن در زوجهای متقابل متضاد، دور از حقیقت است و دقیقتر است که در تقابل‌های فکری و معنایی آن را

جای داد؛ خاصه که ناصر خسرو خرد و عقل را در تقابل با جهل و علم و گاه بی‌خردی قرار داده است.

• تقابل خردمند/ بی‌خرد!

«درخت این جهان را سوی دانا خردمند است بار و بی‌خرد خار»  
(بیت ۲/قصیده ۹: ص ۱۷)

• تقابل اهل فضل و خرد با عام نادان:

سلام کن ز من ای باد مر خراسان را مر اهل فضل و خرد را نه عام نادان را  
(بیت ۱/ق ۵۲: ص ۱۱۶)

نوع دوم، تقابل خرد با جهل است که در نگرش شیعه (چه اسماعیلیه و چه امامیه) عقل در برابر جهل قرار می‌گیرد و اهمیت بسیاری برای آن قائل هستند تا بدانجا که باب نخست کتاب اصول کافی به نام «باب العقل و الجهل» نامگذاری شده است.

• تقابل خرد/جهل:

«رسته شد از نار جهل هر که خرد جان و دلش را ستون و پرهون شد»  
( ۳۳/ق ۳۷، ص ۷۹ )

یا:

«از نبید آمد پلیدی جهل پیدا بر خرد چون بود مادر پلید، ناید پسر زو جز پلید»  
(۲۷/ق ۲۵: ص ۵۳)

• تقابل عاقلان/جاهلان و سفها:

«نزدیک عاقلان عسل النحلّم واندر گُلوی جاهل غسلینم»  
(بیت ۴۵/ق ۶۰: ص ۱۳۶)

یا:

«مر عقلا را به خراسان منم بر سفها حجّت مستنصری»  
(بیت ۳۷/ق ۲۶: ص ۵۶)

---

۱ - به منظور پرهیز از اطالۀ کلام، در آوردن مثال‌های شعری فقط به ذکر یک یا دو بیت برای هر مؤلفه بسنده شده است.

• تقابل عقل شریف/جاهل خسیس:

«در تنوری خفته با عقل شریف      به که با جاهل خسیس اندر خیام  
(بیت ۴۲/ق ۱۷۳: ص ۳۶۵)

نوع دیگر این تقابل به طور استدلالی و غیرمستقیم است:

• تقابل عقل مجبر/اطفال و مجانین:

گفتم که «نماز از چه بر اطفال و مجانین      واجب نشود تا نشود عقل مجبر؟  
(۶۶/ق ۵۱۰: ۲۴۲)

• تقابل عاقل/مجنون:

در هزیمت چون زنی بوق ار به جای استت خرد؟      ورنه‌ای مجنون چرا می‌پای کوبی در سرب؟  
(۴۴/۸: ۹۶)

#### ۴-۳- تقابل کالبد و تن با جان و نفس

یکی از مهمترین تقابلهای معنایی و فکری در قصاید ناصر خسرو تقابل تن و جان است که نشان دهنده باورها و اندیشه خردگرایانه و فیلسوف‌مآبانه و متشرعانه شاعر است.

تا کی تو به تن بر خوری از نعمت دنیا؟      یک چند به جان از نعم دانش برخوردار  
(بیت ۳/ق ۲۴۲: ص ۵۰۶)

ترسم که نه مردمی به جان هر چند      از شخص همی به مردمان مانی  
(۲/ق ۲۸: ۵۸)

• تقابل نفس/تن:

«گفتم که مرا نفس ضعیف است و نژند است      منگر به درشتی تن و این گونه احمر»  
(۷۹/ق ۲۴۲: ص ۵۱۱)

جهان بحر ژرف است و آبش زمانه      تو را کالبد چون صدف جانت گوهر  
(بیت ۴۷/ق ۱۴۵: ۳۰۷)

• تقابل تن/جان:

داد تن دادی، بده جان را به دانش داد او      یافت از تو تن بَطَر در کار جانت کن نظر  
(۱۸/ق ۸۰: ۱۷۴)

#### ۴-۴- تقابل کنش و واکنش

تقابل دوگانه عقلانی دیگری در ساحت فکری و معنایی ابیات قصاید وجود دارد که ژرف ساخت معنایی آن بر تقابل «کنش/واکنش» استوار است:

الم چون رسانی به من خیره خیر      چو از من نخواهی که یابی الم؟  
(بیت ۲۰/ق ۳۰: ص ۶۳)

گر نپسندی همی که خونت بریزند      خون دگر کس چرا کنی تو به گردن؟  
(۳۳/ق ۷۸: ص ۱۷۰)

#### ۴-۵- تقابل قرآنی و روایی و داستانی

این نوع تقابلها با توجه به آیات و داستانهای قرآن یا احادیث و سیره انبیا و اولیا شکل گرفته است و یا داستانها و تاریخی را در بر میگیرد که بین اهل فضل و ادب مشهور بوده است. اغلب این تقابلها در معنای قاموسی با هم تقابلی ندارند، اما در بستر قرآنی و روایی و داستانی تقابلی انکارناپذیر پیدا میکنند که به شماری از آنها اشاره میشود:

• تقابل فرعون/موسی:

«فرعون روزگار ز من کینه‌جوی گشت      چون من به علم در کف موسی عصا شدم»  
(۲۸/ق ۶۲: ص ۱۳۹)

• تقابل موسی و هارون/هامان:

تو نبیره و پسر موسی و هارونی      زین قَبَلِ مَنْ عدو لشکر هامانم  
(۵۶/ق ۹۰: ص ۱۹۸)

• تقابل سلیمان/دیو ملعون:

مُلک سلیمان اگر خراسان بود      چونک کنون مُلک دیو ملعون شد؟  
(۱۸/ق ۳۷: ص ۷۹)

«زدیک عاقلان عسل التّحلم      واندر گلوی جاهل غسلینم  
از من چو خر ز شیر مرم چندین      ساکن سخن شو که نه سنگینم»  
(بیت ۴۵ و ۴۶/ق ۶۰: ص ۱۳۶)

• تقابل عسل/غسلین و خر/شیر از تعبیر قرآنی است: «ولاطعامَ آلا مِن غسلین»(الحاقه/۳۶) و «کأنهم حُمُرٌ مستنفرَةٌ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ»(المدثر/ ۵۱)

- تقابل اسطوره‌ای و داستانی بیژن و منیژه:

«چون روی منیژه شد گل سوری سوسن به مثل چو خنجر بیژن»  
(۱۵/ق: ۱۵۵: ۳۲۷)

- تقابل داستانی دمنه/گاو:

دمنه به کار اندر است و گاو نه آگاه جز که تو را این مثل نشاید گفتن  
(۴۰/ق: ۷۸: ۱۷۰)

#### ۴-۶- تقابل تأویل و تنزیل

اساس مذهب اسماعیلی را موضوع تأویل، یعنی توجه به معانی باطنی شریعت، تشکیل می‌دهد. اسماعیلیان تأویل را در برابر «تنزیل» و باطن را در برابر ظاهر قرار داده، گفته‌اند: «تنزیل عبارت از ظاهر معانی کتاب(قرآن) است به طریقی که احکام شریعت بدان بر پا باشد، و تأویل عبارت از باطن کتاب است، بر میزانی که احکام حقیقت به آن بر پا باشد...»(مذاهب اهل سنت و فرقه اسماعیلیه، فضایی: ۴۰۳).

شور است چو دریا به مثل صورت تنزیل تأویل چو لؤلؤست سوی مردم دانا  
(۳۷/ق: ۲: ۵)  
از بهر پیمبر که بدین صنع ورا گفت: «تأویل به دانا ده و تنزیل به غوغا»  
(۴۰/ق: ۱: ۲۲)

#### ۴-۷- تقابل آسمان و فلک و زمین

- تقابل چرخ اخضر/گوی اغبر:

همی تا جهان است وین چرخ اخضر بگردد همی گرد این گوی اغبر  
(۸۲/ق: ۱۴۵: ۳۰۹)

- تقابل زمین/چرخ مدور:

ای خواننده بسی علم و جهان گشته سراسر تو بر زمی و از برت این چرخ مدور  
(بیت ۱/ق: ۲۴۲: ۵۰۵)  
قسم دیگر، تقابلهایی است که ناصر خسرو بنا به نجوم و جهان‌شناسی قدیم و باورهای پیشینان بیان کرده است:

چون است زهره چون رخ ترسنده مریخ همچو دیده شیر نر؟  
(بیت ۸، ق: ۱۴: ۸۳)

در معنای قاموسی زهره و مریخ نام دو سیاره است که ظاهراً تقابلی ندارند، اما در نجوم قدیم نام دو فلک است که مریخ را نحس اصغر و زهره را سعد اصغر گویند و در تقابلند.

#### ۹-۴- تقابل فعل و قول

ناصر خسرو بین قول و فعل انسانها تقابل قائل است و انسان خردمند را کسی میداند که قول و فعل او بر باورهایش گواهی دهند. این امر منتج از روح فلسفی و عقلی اسماعیلیه است که در شخصیت ناصر خسرو تبلور یافته است:

تا به گفتاری پربرار یکی نخلی      چون به فعل آیی پر خار مغیلائی  
(۳۷/ق ۲۰۸: ص ۴۳۷)

#### ۱۰-۴- تقابل در برخی صفات و ویژگیها

در این بخش دو عنصر متقابل از نظر لفظی و معنایی در تقابل یا تضاد قرار ندارند، ولی از نظر برخی ویژگیها و اوصاف در اشعار ناصر خسرو با هم در تقابل هستند. این تقابلها در نوع خود بسیار هنری هستند و به دلیل پوشیده بودن و عدم تصریح شاعر نیاز به توجه و توغل بیشتر دارند و پس از دریافت رابطه متقابل برای مخاطب جذاب‌تر و هنریتر میشوند.

بی‌بیانش عقل نپذیرد گزاف      زانکه جز با تش نشاید خورد خام  
(بیت ۲۷/ق ۱۷۳: ص ۳۶۴)

با توجه به اینکه آتش سبب پخته شدن خام میشود بین این دو نوعی تقابل وجود دارد.

هر چه دانم که برهنه شود آن فردا      خیره بر خویشتن امروز چه پوشانم؟  
(۲۹/ق ۹۰: ص ۱۹۷)

واژه برهنه در تقابل است با فعل «چه پوشانم؟».

ور خاطر م به جایی کندی کند      او را به دست فکرت سوهان کنم  
(۲۰/ق ۱۷۷: ص ۳۷۱)

ویژگی سوهان تیز کردن است که در تقابل با کندی قرار گرفته است.

گفتا «مبر انده که من اینجای طبیبم      بر من بکن آن علت مشروح و مفسر  
(۸۱/ق ۲۴۲: ص ۵۱۲)



#### ۴-۱۱- تقابل فصلها و زمانها

تقابل فصلها و زمانها در قصاید ناصر خسرو بسامد بالایی دارد. ولی اغلب این تقابلها با توجه به سنت ادبی و یا ویژگی طبیعی فصول میباشد.

- تقابل خزان/بهار:

«وقت خزان به بار رزان شد دلم خراب  
وقت بهار شاد به آب و گیا شدم»  
(بیت ۵/ق ۶۲: ص ۱۳۸)

- تقابل بهار/زمستان:

«چرا کنون که بهار است جهد آن نکنی  
که تا یکی به کف آری مگر زمستان را»  
(۴۱/ق ۵۲: ص ۱۱۸)

#### ۴-۱۲- تقابلهای اجتماعی، نژادی و سیاسی

این نوع تقابلها با توجه به مقام و موقعیت اجتماعی و قوم و ملت و کشور و ... شکل میگیرد. در اغلب این تقابلها از نظر خصوصیت‌های خاصی که هر یک از طبقات اجتماعی دارند، در شعر ناصر خسرو در تقابل با هم قرار گرفته‌اند.

- تقابل شاه و میر/اهل طیلسان و عمامه و ردا به عنوان دو طبقه اجتماعی:

وز مال شاه و میر چو نومید شد دلم  
زی اهل طیلسان و عمامه و ردا شدم  
(۱۴/ق ۶۲: ص ۱۳۹)

تو برپایی آنجا که مطرب نشیند  
سزد گر ببری زبان جری را  
(۲۷/ق ۶۴: ص ۱۴۳)

تقابل برپایی/نشیند و تو/مطرب تقابل سیاسی و اجتماعی است که در درگاه شاهان کسانی که جایگاه والاتری داشتند، می‌نشستند و فروتران می‌ایستادند.

- تقابل سیاسی و اجتماعی رهی(رستم)/شاه(کاووس):

شنودی که با زور و بازوی پیل  
رهی بود کاووس را روستم  
(۲۹/ق ۳۰: ص ۶۳)

#### ۴-۱۳- تقابل ناصر خسرو با مخالفان و دشمنانش

از جمله وظایف پیروان در برابر امامان از نظر اسماعیلیه، دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان امام است که «دوستی با ما و دوستی با دشمنانمان در دل مؤمن در کنار هم قرار نمیگیرد.» (تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، بدوی، ج. دوم: ۳۸۳) این امر سبب ایجاد

مهمترین تقابل‌ها در دیوان ناصر شده و کسانی که مذهبی به جز مذهب اسماعیلی یا مخالفتی با امام اسماعیلیه داشته باشند، اغلب در جرگه دشمنان ناصر خسرو محسوب می‌شده‌اند؛ به ویژه خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی. مضمون بعضی قصاید ناصر خسرو تماماً بر این تقابل استوار است:

فاطمیم فاطمیم فاطمی      تا تو بدری زغم ای ظاهری  
(۳۱/ق: ۲۶: ص ۵۵)

رافضیم سوی تو و تو سوی من      ناصبی، نیست جای تنگدلی  
(۲۳/۱۳۵: ۲۸۷)

#### ۴-۱۴- تقابل قبل و بعد از توبه در دوران زندگی ناصر خسرو

در زندگی ناصر خسرو هم دو تقابل قبل و بعد از توبه دیده می‌شود که در اشعارش تبلور یافته است:

من از لذت‌ها بشستم دست خویش      راست چون بگذشتم از آب فرات  
(۲۴/ق: ۱۵۳: ص ۳۲۵)

واکنون زگشت دهر دگر گشتم      گویی نه آن سرشت و نه آن طینم  
(۲۰/ق: ۶۰: ۱۳۵)

#### ۴-۱۵- تقابل امر و نهی

یکی از پربسامدترین تقابلهای فکری و معنایی، تقابلهای امر و نهی است که ناشی از روحیه واعظ‌گونه و ستیهنده ناصر خسرو است که شاعر، مخاطب را مانند پدری ناصح پند و اندرز می‌دهد.

• تقابل امر و نهی:

بیاموز و ماموز مر عام را      زعلم نهانی قلیل و کثیر  
(۱۸۹/ق: ۳۶: ۴۰۱)

با هر کس منشین و مبر از همگان نیز      بر راه خرد رو، نه مگس باش نه عنقا  
(۱۶/ق: ۲: ص ۴)

•

• تقابل امر و نهی:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را      برون کن ز سر باد و خیرمیری را  
(۱/ق: ۶۴: ص ۱۴۲)

۴-۱۶- تقابل وحدت و کثرت

یکی از انواع تقابلها در قصاید ناصر خسرو تقابل وحدت/کثرت است که در آن عدد یک با اعداد دیگر که بیش و نماد کثرت هستند، در تقابل قرار میگیرند، هر چند در معنای قاموسی چنین تقابلی دیده نمی‌شود. البته در فلسفه و کلام اسلامی بنا به دیدگاه توحیدی عدد تقابل یک و دیگر اعداد که از یک ساخته شده‌اند دیده میشود و ناصر خسرو هم به آنها نظر داشته است.

• تقابل وحدت/کثرت:

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا      نه اندر وحدتش کثرت، نه محدث زین همه تنها  
(۱/۱: ص ۱)

• تقابل هزاران/یکی:

«هزاران توان یافت خنجر به دانش      یکی علم نتوان گرفتن به خنجر»  
(۳۷/ق: ۱۴۵: ۳۰۷)

۴-۱۷- تقابل خدا/شیطان، خدا و دیو(عباسیان) از نظر ناصر خسرو

یکی از تقابلها در قصاید ناصر خسرو تقابلی است که بین خدا و دیو یا شیطان برقرار گشته است. ریشه و کارکرد اصلی این تقابل، مذهب ناصر خسرو و مخالفت او با خلفای عباسی و سلجوقیان است که سبب آواره شدن او در یمگان شده است:

• تقابل یزدان/دیو:

نگاه کن که چو فرمان دیو ظاهر شد      نماند فرمان در خلق خویش یزدان را  
(۳۰/ق: ۵۲: ص ۱۱۷)

• تقابل خدا/شیاطین، مستنصر/اولیای شیاطین:

«مستنصر از خدای» دهد نصرت      زین پس بر اولیای شیاطینم  
(۲۶/ق: ۶۰: ۱۳۵)

۴-۱۸- تقابل انسان و غیر انسان

«... کمال طبیعت و اشتغال آن بر فضیلتها تنها به وجود انسان است، و طبیعت به واسطه انسان غنا و کمال و استغنا می‌یابد.» (تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، بدوی، ج. دوم: ۳۵۵)

ناصر خسرو تقابل انسان با دیگر موجودات (مخصوصاً حیوانات) را در قصاید خودش بیان کرده است؛ مانند تقابل تو/خاک و هوا و نبات و حیوان در:

تورا خدای ز بهر بقا پدید آورد  
تورا و خاک و هوا و نبات و حیوان را  
(۴۴/ق: ۵۲: ۱۱۸)

• تقابل مردم/گاو:

مردم از گلو، ای پسر، پیدا به علم و طاعت است  
مردم بی‌علم و طاعت گاو باشد بی‌ذنب  
(۳۴/ق: ۴۴: ۹۸)

#### ۴-۱۹- بیان تقابل یکسویه

در این نوع تقابل شاعر یک طرف تقابل را بیان میکند. طرف دوم و جزء غایب خود به خود در ذهن تداعی میشود و حتی شاید نیازی به ذکر آنها نباشد که از خصایص سبکی و ساختاری ناصر خسرو و خلاقیت‌های اوست که از ذهن باطنگرا و تأویل‌اندیش او سرچشمه میگیرد:

• درختان بی بر/درختان با بر(به قرینه):

بسوزند چوب درختان بی‌بر  
سزا خود همین است مر بی‌بری را  
(۱۴/ق: ۶۴: ص ۱۴۲)

• تقابل قبله احرار بود/الان نیست:

پریر قبله احرار زاولستان بود  
چنانکه کعبه است امروز اهل ایمان را  
(۱۷/ق: ۵۲: ۱۱۷)

#### ۴-۲۰- تقابل دین و دنیا

عزّ و ناز و ایمنی دنیا بسی دیدم، کنون  
رنج و بیم و سختی اندر دین ببینم یک ندب  
(۲۳/ق: ۴۴: ص ۹۷)

#### ۴-۲۱- تقابل فلسفی و کلامی

• تقابل ازلی/محدث:

حال ز بی‌فعل اگر به فعل بگردد  
آن ازلی حال بود مُحدث و زایل  
(۶/ق: ۶۱: ص ۱۳۶)

• تقابل ناقص/کامل:

ناقص محتاج را کمال که بخشد      جز گه‌ری بی‌نیاز و ساکن و و کامل؟  
(۹/ق ۶۱: ص ۱۳۶)

یک جوهر ترکیب دهنده است و مصوّر      یک جوهر ترکیب پذیر است و مصوّر  
(۱۴/ق ۵۹: ص ۱۳۱)

۴-۲۲- تقابل مؤنث و مذکر(زن/ مرد، خواهر/برادر و ...)

یکی از انواع تقابلهایی که ناصر خسرو استفاده کرده است، تقابلی است که بر پایه تقابل مذکر/مؤنث شکل گرفته است و نمود آن در تقابلهای زن/مرد، خواهر/برادر و ... تبلور یافته است که در ایجاد مفاهیم و روابط ساختاری اشعار نقش برجسته‌ای ایفا کرده است و در قصاید ناصر خسرو بسامد قابل توجهی دارد:

• تقابل زنان/مردان:

چون همیشه چون زنان در زینت دنیا چخی      گرت چون مردان همی در کار دین باید چخید؟  
(۱۶/ق ۲۵: ص ۵۲)

• تقابل خواهر/برادر، ماده/نر، ماده و نر/فرزند:

بگو آن دو خواهر زن و دو برادر      کدامند و فرزندشان ماده و نر  
(۶۲/۱۴۵: ۳۰۸)

۴-۲۳- تقابل والدین و فرزندان

نوع دیگر این تقابلهای والدین(پدر و مادر) و فرزندان است:

فرزند توایم ای فلک، ای مادر بدمهر      ای مادر ما چون که همی کین کشی از ما؟  
(بیت ۲/ق ۲: ص ۴)

• تقابل پدر/پسر:

«همچو پدر به حق تو سخنگوی و زهدورز      زیرا که نیست کار جز این ای پسر مرا»  
(۴۳/ق ۶: ص ۱۳)

۵- زوجهای واژگانی و لفظی متقابل

این زوجها از نظر لفظی و واژگانی در تقابل با هم قرار دارند. از نظر زبانی و ساختاری برخی تقابلها گاه بر حسب وندها شکل میگیرند. «در بسیاری از این جفتها نشاننداری زبانی دالها "سلبی" است و شامل فقدان یا غیاب پیشوندها یا پسوندهایی مانند نه، نا یا بی و ...

میباشد.» (مبانی نشانه‌شناسی، چندلر: ۱۷۰). بنابراین برخی تقابلهای واژگانی با تکواژ منفی‌ساز پدید می‌آیند و برخی واژگان متضاد هستند. در سی قصیدهٔ جامعهٔ آماری، ۲۷۳ مورد (۲۸/۷ درصد) از کل تقابلهای مربوط به زوج‌های متقابل واژگانی است و جزء تقابلهای پرکاربرد و معمول ناصر خسرو در ساختار قصایدش میباشد. نمونه‌هایی مانند: خطرایی/خطر (۲/۴: ۲۴)، بی‌نظام/با نظام (بیت ۴/۴: ۱۶ ص: ۹۵)، گویا/خاموش (بیت ۳/۳: ۱ ص: ۱۹)، بیشی/کمی (بیت ۱۹/۱۹: ۲۰)، زنده/مرده (۱/۲۹: ۲۱)، ظالم/عادل (۱/۵۲: ۲۳)، بحر/بر (۲/۲۲: ۲۶)، سخت/آسان (۳/۲۳: ۳۰)، آشکار/پنهان (۳/۳۸: ۳۱)، غنی/درویش (۱/۱۶: ۱۵ ص: ۹۱)، دوزخ و بهشت (بیت ۲۳/۲۳: ۱۵ ص: ۹۲)، کافر و مسلمان (بیت ۲۳/۲۳: ۱۵ ص: ۹۲)، نیک/بد (بیت ۴۲: ۱۴: ۹۳)، صبح/شام (۲/۲۰: ۱۶ ص: ۹۶)، بودش/عدم (۲/۲۴: ۱۸: ۱۰۵)، پیدا/پنهان (۵/۱۹: ۱۰۸)، باقی/فانی (۱/۱۵: ۲۷ ص: ۱۳۶)، پر و تهی (۲۷/۴۸: ۱۳۸)، یار و دشمن (۸/۳۰: ۱۴۶)، تیره/مصفا (۲/۲۶: ۱ ص: ۲۱)، بن دریا/لب دریا (۳/۳۸: ۱: ۲۲)، گریان/خندان (۳/۲۰: ۲۹)، دیو/فرشته (۵/۵۲: ۲۲۸ ص: ۴۷۴)، نقصان/تمام (۲/۲۶: ۳: ۲۰)، آثار عدل/صورت جائری (۳/۳۵: ۴ ص: ۳۴)، صورت/سیرت (۴/۴۰: ۴ ص: ۳۶)، روز و شب (۴/۱۴: ۵ ص: ۳۷)، زندان/رهایش (۱/۱۴: ۵: ۳۸)، جاهل/عالم (۵/۱۶: ۳۸)، آغاز/انجام (۶/۱۰: ۴۲)، درون/بیرون (۱/۱۰: ۷ ص: ۴۵)، صغار/کبار (۱/۱۸: ۸ ص: ۴۹)، باقی/فانی (۲۷/۱۵: ۱۳۶)، درد و درمان (۲۶/۲۶: ۱۳۵)، بی‌هشی/هشیاری (۱/۱۲: ۲۹: ۱۴۳) و ...

#### ۶- زوجهای متقابل ادبی

این نوع تقابلهای برگرفته از سنت ادبی رایج در میان شاعران است و ناصر خسرو هم در قصاید خود از این زوجهای متقابل بهره گرفته است. در معنای قاموسی این واژه‌ها تقابل وجود ندارد، اما بر اثر تکرار در آثار دیگران ذکر یک طرف، طرف دیگر را تداعی میکند و چون از طریق تقابل مکمل یکدیگر هستند و با هم رابطهٔ رو در رویی دارند، می‌توانند در این دسته قرار گیرند. تعداد این تقابلهای در قصاید بررسی شدهٔ ناصر خسرو، ۱۲۱ مورد (۱۲/۷ درصد) است. مانند: موم و سندان (بیت ۱۶/۱۶: ۳ ص: ۲۹)، چنبر/قامت عرعر (۳/۳۳: ۴: ۳۵)، هما/جغد (۳/۳۵: ۱۴: ۵۹)، هوشیار/مست (۳/۲۹: ۳۰ ص: ۳۰)، سنگ/موم (۱/۱۵: ۸۲: ۱۷۹)، سحر/پیغمبری (۱۹/۱۹: ۴ ص: ۳۴)، باز همایون/جغد (۱/۱۳: ۷ ص: ۴۵)، باز/تیهو (۲/۲۹: ۷۵: ۱۶۴)، خار/خرما (۸/۵۴: ۱۲۱)، سنگ/زر (۳/۳۶: ۸ ص: ۵۱)، سرگین/عود مطراً (۱/۱۵: ۱: ۲۰)، باز/کبک دری (۲/۲۰: ۴ ص: ۳۴)، الف/نون (۵/۵: ۷ ص: ۴۴) و ... نمونه‌ها:

روی گلنار چو بزدايد قطرِ شب      بلبل از گل به سلام گلنار آيد  
(بیت ۳/ق ۷۴: ص ۱۶۱)

تقابل گل یا گلنار/ بلبل نوعی تقابل در سنت ادبی است.

زار وار است کنون بلبل و تا یک چند      زاغ زار آید، او زی گلزار آید  
(بیت ۴/ق ۷۴: ص ۱۶۱)

تقابل زاغ و بلبل دو پرندۀ هستند که در سنت ادبی بلبل پرندۀ خوشخوان و محبوب و زاغ  
پرندۀ شوم و بدشکل است.

تقابل بادام/ بید و سپیدار:

بادام به از بید و سپیدار به بار است      هر چند فزون کرد سپیدار درازا  
(بیت ۳۴، ق ۲: ص ۵)

تقابل بین سرو و چنبر بنا به سنت ادبی است که کارکرد پیری/ جوانی دارد:

بگوشان که جهان سرو من چو چنبر کرد      به مکر خویش و، خود این است کار گیهان را  
(بیت ۳/ق ۵۲: ص ۱۱۶)

«الف»، «نون» یا «دال» حروف الفبای فارسی هستند که از نظر شکل نوشتاری در سنت  
ادبی با هم در تقابل قرار گرفته‌اند:

ز جور دهر الف چون نون شده‌ستم      ز جور دهر الف چون نون شود، نون  
(۱۱/ق ۶۵: ص ۱۴۴)

امسال بیفزود تو را دامن پیشین      زیرا که الف بودی و امسال چو دالی  
(۲۴/ق ۲۱: ص ۴۳)

یا:

«تیر بودی چون شده‌ستی چون کمان؟»      لاله بودی چون شده‌ستی چون تلال؟  
(۳۴/ق ۲: ص ۷۲)

روبه (ترسو)/ غضنفر (شجاع):

دریا بشنیدی که برون آید از آتش؟      روبه بشنیدی که شود همچو غضنفر؟  
(۱۰۷/ق ۲۴۲: ص ۵۱۳)

جانث به سخن پاک شود زانکه خردمند      از راه سخن بر شود از چاه به جوزا  
(بیت ۲۷/ق ۲: ص ۵)

چاه و جوزا (صورت فلکی دوپیکر) در معنای لغوی تقابل خاصی ندارند، اما در سنت ادبی، نشان دهنده تقابل پست‌ترین و بلندترین پایه است.

#### ۷- تقابل در محور افقی و عمودی کلام

یکی از خصایص سبکی ناصر خسرو این است که علاوه بر اینکه تقابلها را در سطح واژگان و زوج‌های متقابل بیان میکند، در محور همنشینی گاه پا را از این فراتر مینهد و تقابلهایی در سطح نحوی کلام بین دو مصراع یک بیت یا در کل بیت می‌آفریند.

دارا که هزاران خدم و خیل وحشم داشت      بگذاشت همه پاک و بشد خود تن تنها  
(۴۹/ق ۱: ص ۲۳)

در بیت بالا ظاهراً هیچ تضاد و تقابل قاموسی و لغوی ندارند، اما با اندکی تأمل در می‌یابیم که «دارا که هزاران خدم و خیل و حشم داشت» با مصراع دوم، «همه را رها کرد و تنها رفت (هیچ ندارد)» در تقابل است. این تقابلها در محور همنشینی بیت و سازنده ساختار آن است.

از این همه بستاند به جمله هر چش داد      چنان که باز ستد هر چه داده بود آن را  
(۶/ق ۵۲: ص ۱۱۷)

تقابل دو مصراع با تقابل باز ستد/داده بود (الدهر يعطی و یسلب)  
یا:

«ترکان ره‌ی و بنده من بوده‌اند      من تن چگونه بنده ترکان کنم؟»  
(۴۵/ق ۱۷۷: ص ۳۷۲)

دهر گردن کی به دست تو دهد      چون تو او را چاکری کردی مدام؟  
(۳۹/ق ۱۷۳: ص ۳۶۴)

تقابل بیت:

من نبرم نام تو، نامم مبر      من بریم از تو، تو از من بری  
حکمت را خانه بود بلخ و، کنون      خانه‌اش ویران و بخت وارون شد  
(۱۷/ق ۳۷: ص ۷۹)

از دیگر ویژگیهای ساختاری اشعار ناصر خسرو وجود تقابلهای چند لایه در اشعارش است که روابط متقابل اجزای کلام را پیچیده‌تر و هنریتر ساخته و انسجام خاصی بدان بخشیده است؛ مانند:



به قول بنده یزدان قادرند و لیک به اعتقاد همه امتند شیطان را  
(۳۱/ق ۵۲: ص ۱۱۸)

که تقابل‌های چندگانه یزدان/شیطان، قول/اعتقاد و بنده/یزدان در یک بیت، نشان از روابط  
متقابل و چندلایه تمام اجزای بیت با هم است که در ساختار بیت انسجام ایجاد کرده است.  
یا:

اعدای اولیای خدایم عدو شدند چون اولیای او را من ز اولیا شدم  
(۲۹/۶۲: ص ۱۳۹)

عزّ و ناز و ایمنی دنیا بسی دیدم، کنون رنج و بیم و سختی اندر دین ببینم یک ندب  
(۲۳/ق ۴۴: ص ۹۷)

#### ۸- تقابل در محور عمودی کلام

در ساختار قصاید ناصر خسرو گاه در محور عمودی کلام نیز تقابل‌ها نقش‌آفرین هستند و  
دو یا چند بیت پیاپی از نظر موضوعات مختلف در تقابل با هم قرار داده می‌شوند. قالب ادبی  
قصیده برای این نوع تقابل، محدودیت تعداد ابیات برخی قالبهای دیگر مانند غزل را ندارد و  
ناصر خسرو به کرات از این تقابلها در ساختار قصاید استفاده کرده است که سبب انسجام  
ساختار قصاید او شده است:

- تقابل بنده ایشان/ترکان:

بنده ایشان بدنند ترکان، پس حال گه ایدون و گاه ایدون شد  
بنده ترکان شدند باز، مگر نجم خراسان نحس و مخبون شد  
(۲۱ و ۲۲/ق ۳۷: ص ۷۹)

- تقابل چند بیتی (برای متغیر و چندرو بودن دنیا):

«گاهی عروسوارت بیش آید با گوشوار و یاره و با افسر  
با صد کرشمه بسترد از رویت با شرم گرد باستی و معجر  
گاهی هزبروار برون آید با خشم عمرو و با شغب عنتر  
دیوانه‌وار راست کند ناگه خنجر به سوی سینهات و زی خنجر»  
(۵۵-۵۲/ق ۲۲: ص ۴۶)

یا:

«بازیگری است این فلک گردان امروز کرد تابعه تلقینم

زیرا که دی به جَلوه برون آورد      آراسته به حَلّه رنگینم  
 و امروز باز پاک ز من بر بود      آن حُلّه‌های خوب و نوآینم»  
 (۱۶-۱۳/ق: ۶۰: ۱۳۵)

نوع دیگر تقابلها در ساختار قصاید ناصر خسرو، صرفاً در قلمرو نحوی و دستوری کلام است که او با شیوهٔ مناظره‌گونه و سؤال و جواب انواع جملات را در تقابل با هم قرار میدهد. به عبارت دیگر تقابل جملات سؤال با جملات پاسخ از یک سو، یا تقابل با دیگر جملاتی که سؤال و جوابی نیست، از دیگر سو است که در قصاید و قطعات مناظره‌ای شاعر دیده میشود؛ مانند مناظرهٔ چنار و کدوبن، پر عقاب و ... .

#### ۹- نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان میدهد: تقابل یکی از محورهای مرکزی شکل‌گیری ساختار قصاید ناصر خسرو است و مبنای بسیاری از مضامین و حتی کل قصاید او بر تضاد و تقابل (به ویژه تقابل دوگانه) استوار است. شاعر رابطهٔ تقابلی چند لایه را به عنوان ابزاری برای بیان و خلق مفاهیم و آفرینش مضامین ادبی و فکری استفاده کرده است که در ایجاد انسجام زبانی، فکری و ادبی اشعارش تأثیر بسیار چشمگیری داشته و سبب ساختارمند شدن قصایدش شده است. این جستار نشان میدهد ایجاد تقابلها در قلمروهای گوناگون واژگانی (زوجهای متقابل واژگانی)، نحوی، فکری و معنایی، ادبی و حتی ایدئولوژیک مهمترین شگرد بلاغی و هنری است که او در اشعارش برای تبیین و ایجاد روابط دو یا چند سویه بین اجزای ساختاری قصاید و در یک نگاه عام کل دیوانش ایجاد کرده است و یکی از شگردها و تکنیک‌های بلاغی شاعر برای آشنایی‌زدایی (به باور فرمالیستها) بوده است.

در سی قصیده بررسی شده حدود ۹۵۴ تقابل در ساختار قصاید (در محور افقی) وجود داشت. یعنی در هر قصیده حدود ۳۲ تقابل دیده میشود. از این میان ۵۶۰ تقابل مربوط به تقابل‌های معنایی و فکری (۵۸/۷ درصد) و ۲۷۳ تقابل مربوط به زوجهای متقابل واژگانی (۲۸/۷ درصد) و لفظی و ۱۲۱ تقابل مربوط به تقابل‌های ادبی (۱۲/۷ درصد) می‌شود. البته ناصر خسرو از تقابلها در محور عمودی کلام (با بسامد بسیار کمتر) نیز بهره برده است که سرایش ابیات زیاد در قالب ادبی قصیده این مجال را در اختیار شاعر گذاشته است (نمودار ۱).

تقابل افکار و اعتقادات و نظرات ناصر خسرو با مخالفان فکری، سیاسی و مذهبی او اساس و پایهٔ ساختار بسیاری از قصاید و اشعار اوست و نشأت گرفته از زندگی خاص توأم با عقلانیت و تأمل، اعتقادات مذهبی اسماعیلی و روحیهٔ اعتراض‌گونهٔ اجتماعی و سیاسی او در مبارزه با

جهل و وضعیت نابسامان سیاسی، اجتماعی و دینی عصر او می‌باشد. در یک نگاه کلی، دیوان او مبتنی بر تقابل افکار او با افکار مخالفانش است با لحنی آمیخته با خشونت و صراحت. ناصر خسرو از طریق این تقابلهای قصاید خود را تشخص داده و سبک شعری خود را از دیگران متمایز کرده است.

## منابع و مأخذ

- ۱- اسطوره و تفکر مدرن، استروس، کلود لوی، (۱۳۹۴) ترجمه فاضل لاریجانی و علی جهان پولاد، چاپ سوم، تهران: نشر فرزانه روز.
- ۲- بوطیقای ساختارگرا، کالر جاناتان، (۱۳۸۸)، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مینوی خرد.
- ۳- تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، جلد دوم، بدوی، عبدالرحمان، (۱۳۷۴)، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴- «بررسی تقابلهای دوگانه در ساختار حدیقه سنایی»، عبیدی‌نیا، محمد و دیگران، (۱۳۸۸)، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، صص ۲۵-۴۲.
- ۵- «بررسی تقابلهای دوگانه در غزل‌های حافظ»، نبی‌لو، علیرضا، (۱۳۹۲)، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۱، شماره ۷۴، صص ۶۹-۹۰.
- ۶- «تقابلهای دوگانه و کارکرد معنایی آن در قصاید ناصر خسرو»، حقی، مریم، (۱۳۹۴)، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۷۶-۹۳.
- ۷- پژوهشی در اساطیر ایران، بهار، مهرداد، (۱۳۹۱)، چاپ هشتم، تهران: نشر آگه.
- ۸- درآمدی بر ساختارگرایی، اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۹- درآمدی بر معنی‌شناسی، صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- ۱۰- دیوان اشعار، ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۵۷)، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- ۱۱- راهنمای نظریه ادبی، سلدن، رامان، (۱۳۸۴)، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- ۱۲- رساله در تاریخ ادیان، الیاده، میرچا (۱۳۸۹) ترجمه جلال ستاری، چاپ چهارم، تهران: سروش.
- ۱۳- زبانشناسی و نقد ادبی، فالر، راجر. دیگران (۱۳۸۱) ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، چاپ دوم، تران: نی.
- ۱۴- ساختار و تأویل متن، احمدی بابک، (۱۳۸۲)، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- شرح سی قصیده از حکیم ناصر خسرو قبادیانی، محقق، مهدی، (۱۳۶۹)، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- ۱۶- مبانی نظریه ادبی، برتنس، هانس، (۱۳۸۴)، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- ۱۷- مبانی نشانه‌شناسی، چندلر، دانیل، (۱۳۸۶)، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- ۱۸- مذاهب اهل سنت و فرقه اسماعیلیه، فضایی، یوسف، (۱۳۸۷)، چاپ دوم، تهران: نشر آشیانه کتاب.